



ذره‌سکان در پی آفتاب

چند مقال انتقد و در حوزة
مولوی شناسی



دکتر رحمان شتاق مهر

سرشناسه	: مشتاق مهر، رحمان، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: ذره‌سان در پی آفتاب: چند مقاله انتقادی در حوزه مولوی‌شناسی / رحمان مشتاق مهر.
مشخصات نشر	: تبریز: آیدین، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۳۸۶ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۷۱-۹۶-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	: Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn-e Mohammad, 1207 - 1273 -- : Criticism and interpretation
موضوع	: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn-e Mohammad, 1207 - 1273 -- : *Addresses, essays, lectures
موضوع	: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. -- مثنوی -- نقد و تفسیر
موضوع	: Mowlavi, Jalaloddin Muhammad ibn Muhammad, 1207-1273 : .Masnavi-- Criticism and interpretation
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۷ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- 13th century -- History and criticism
رده بندی کنگره	PIR۵۳۰۵۴
رده بندی دیویی	۱۸۱/۳۱
شماره کتابشناسی ملی	۸۷۸۱۰۳۲ :



با همکاری انتشارات یانار

انتشارات آیدین

تبریز، خیابان شریعتی شمالی، نرسیده به سینما ۲۹ بهمن

تلفن: ۳۵۵۵۳۲۵۹ - فاکس: ۳۵۵۳۰۵۲۳ - ۴۱

Email: Aydin.publication@Gmail.com

ذره‌سان در پی آفتاب

چند مقاله انتقادی در حوزه مولوی‌شناسی

دکتر رحمان مشتاق مهر

* چاپ اول ۱۴۰۱ تبریز * شمارگان ۵۰۰ نسخه * قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

* لیتوگرافی افرونگ * چاپ و صحافی: صحاف امین

۹۷۸-۶۰۰-۵۸۷۱-۹۶-۸

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۱	پاسخ به اقتراح مجله «نگاه آفتاب» درباره مولانا
۱۵	پاسخ به اقتراح مجله «کتاب ماه ادبیات و فلسفه» درباره مولانا
۲۷	بیت مستانه؛ نقدی بر «سیری در دیوان شمس» از علی شریعتی
۳۷	نقد و بررسی «کتاب‌شناسی مولوی» از ماندانا صدیق بهزادی
۴۳	نگاهی دیگر به نسخه قونیه و تصحیح فروزانفر از کلیات شمس
۶۵	تا تصحیح نهایی دیوان کبیر: نسخه قونیه یا تصحیح فروزانفر؟
۹۶	نگاهی به حواشی کلیات شمس بر اساس نسخه مورخ ۷۶۸-۷۷۰ به تصحیح توفیق هـ سبحانی
۱۲۸	نسخه مثنوی مورخ ۶۷۷ قونیه و چاپ‌های متعدد مبتنی بر آن
۱۶۱	نگاهی به ترجمه دیوان کبیر از شادروان عبدالباقی گولپینارلی
۱۷۵	نگاهی به شرح مثنوی شریف از زنده‌یاد عبدالباقی گولپینارلی
۱۸۵	فیه مافیه و «شرح کامل» آن از کریم زمانی
۲۱۱	تحلیل انتقادی تصحیحات و چاپ‌های دیوان شمس تبریزی
۲۳۱	بازخوانی تعلیقات استاد شفیع کدکنی بر غزلیات شمس تبریز
۲۶۱	تکمله ارجاعات و مآخذ استشهدات شعری مجالس مولانا
۲۷۹	مآخذ استشهدات شعری فارسی مکتوبات مولانا و تکمله آن
۳۰۳	الزامات شرح متن با نگاهی به روایت دینانی از غزلیات شمس
۳۳۵	مستدرک استشهدات شعری فارسی در مقالات شمس تبریزی

پیشگفتار

گردآوردن مجموعه‌ای از نوشته‌های پیشین خود به قصد انتشار، به نگاهی می‌ماند که هر کس گاهی به حسرت یا رضایت، به پشت سر خود می‌کند؛ به گذشته خود و به راهی که در زندگی طی کرده است. این مقالات مجموعه نقدهایی است که در حدود ۲۵ سال اخیر به تفریق برای آثاری که در حوزه مولوی شناسی انتشار یافته، نوشته و منتشر کردم. مواد نقدها اگرچه در اولین فرصت بعد از دسترسی به اثر و در حین مطالعه آن، به صورت یادداشت‌های پراکنده، در حاشیه آن فراهم آمده، بلافاصله و با شتاب و سراسیمگی انتشار نیافته است؛ تا فرصت مطالعه بدون پیش‌داوری را از خواننده سلب نکنند، بلکه تقریباً یکی دو، و گاهی چند سال از انتشار کتاب و فرصت اظهارنظرهای شتابزده گذشته، و کتاب طیف خوانندگان و علاقه‌مندان را پیدا کرده، آنگاه زمان نشر نقد فرارسیده است.

در نقدها جز روشنگری و آشکار کردن ارزش و اهمیت واقعی اثر قصدی نداشته‌ام و کوشیده‌ام با انصاف و احترام، به بیان دریافت‌های خود بپردازم و نکته‌ای به مندرجات اثر بیفزایم و احیاناً نادرستی نکته‌ای را که ممکن است باعث سوء فهم یا لغزش ذهن خواننده عادی شود، گوشزد کنم.

در موقع نوشتن نقدها بیش از این که پروای نویسنده اثر را داشته باشم، خوانندگان آن را پیش چشم داشته‌ام اما همیشه بعد از انتشار نقد، عکس‌العمل نویسندگان آثار مورد نقد برایم آموزنده بوده است. شش هفت مورد از نقدها به آثاری مربوط است که با تصحیح و توضیح و

تعلیقات استاد توفیق سبحانی انتشار یافته‌اند. در این دوازده سالی که از انتشار نخستین نقد مربوط به یادداشت‌های ایشان درباره تصحیح فروزانفر از غزلیات شمس و نسخه دیوان کبیر مورخ ۷۶۸ - ۷۷۰ قمری می‌گذرد، مکرر ایشان را دیده و گه‌گاه افتخار همنشینی‌شان را یافته‌ام؛ هرگز کلمه‌ای گلایه‌آمیز - به کنایه یا صریح - از ایشان راجع به نقدها شنیده‌ام. با بزرگواری تمام برای استفاده از یادداشت‌ها حتی قبل از انتشار آن‌ها اظهار تمایل کرده‌اند و بعد از دیدن و خواندنش، زبانی یا کتبی، در پیشگفتار ویراسته بعدی اثر، تشویق نموده‌اند. این درجه از بزرگواری و بلندنظری و سعه صدر و خوش خلقی از کسی که سال‌ها با آثار مولانا محشور بوده و مثنوی و غزلیات و فیه مافیه و مجالس و مکتوبات را به دفعات و با دقت و همدلی مطالعه کرده، دور از انتظار نیست.

به‌طور اتفاقی مدت زمان کوتاهی بعد از انتشار نقد تعلیقات استاد شفیع کدکنی بر غزلیات شمس تبریز، به راهنمایی و همراهی دوست عزیزم دکتر باقر صدری‌نیا، استاد را در دولت‌منزلشان زیارت کردم و جز مهمان‌نوازی و گفتار و رفتار لطف‌آمیز و درس‌آموز از ایشان ندیدم. در مقابل، ندیده ولی شنیده‌ام که صاحب آثاری در موضوع «نقد»، رسماً از منتقد اثرش به دادگستری شکایت کرده تا هر صدای ناخوشایندی را خاموش کند و آثارش را در خلأ و سکوت مطلق پدید آورد!

بودنِ نقد در جامعه‌ای و حوصله و ظرفیت و تحمل نقدپذیری آحاد آن جامعه، یکی از معیارهای فربه‌ی و غنای فهم و فرهنگ و شعور اجتماعی است. هر جامعه‌ای - چه سیاسی باشد یا علمی و ادبی و هنری - که نقد را برتابد و منتقدانش را خاموش و سرکوب کند و تنها به ترویج و اشاعه صدای واحدی بکوشد، دیر یا زود کارش به جمود و افسردگی و رکود و دل‌مردگی خواهد کشید. صدای واحد. حتی اگر به حق باشد، دلخواه همه نیست و حق و ناحق بودنش تنها در نتیجه گفت‌وگو و فرصت اظهار نظر دادن به دیگران آشکار خواهد شد و دیگران را به همراهی یا مخالفت برخواید انگیزت و اسباب مدارا و تعالی و نشاط و شکوفایی جامعه را فراهم خواهد کرد.

مولانا آن یگانه‌ای است که قرن‌ها از او و درباره او گفته و نوشته‌اند و در قرن‌های پیش رو او همچنان مدار و مرکز گفته‌ها و نوشته‌ها خواهد بود و هرگز فراموش نخواهد شد. هر نسلی قرائت عصر خود را از آثار او خواهد داشت و متناسب با حوصله درک و دریافت عصر خود، گفته‌ها و سروده‌های او را تفسیر خواهد کرد و فهم و دریافت خود را در معرض بهره‌مندی و

داوری دیگران قرار خواهد داد. هیچ قرائت و تفسیری از آثار مولانا - مثل هر اثر بزرگ دیگر - قرائتی نهایی و الزام‌آور نیست. نقد قرائت‌ها و تفسیرهای پیشنهادی، نه تنها عرصه را برای عرضه آن‌ها تنگ نمی‌کند بلکه علاوه بر خوانندگان حرفه‌ای و عادی، طیف خاموش و کم‌حوصله جامعه را نیز به کار می‌کشد و آنان را به خواندن و بازخواندن تشویق می‌کند و فضایی فراهم می‌آورد تا افراد تنها از طریق گفت‌وگو و کوشش برای ایضاح و افق‌انگیزی دیگران، راه پیشرفت و شهرت خود را جست‌وجو کنند.

این مقاله‌ها نقد به معنای واقعی و اصیل خود نیست بلکه روشن‌گری‌هایی است که برای خوانش و فهم بهتر آثار مولانا فراهم آمده است. متون ادبی همانند ریاضی و علوم دقیقه نیست که برای فهم و اثبات درستی یا نادرستی قضیه‌ای یا حل مسئله‌ای، راه‌حل‌های قطعی ارائه کند. این نوع متون بعد از کسب مقدمات ناگزیر، غالباً با بازخوانی‌های مکرر و با به‌کارگیری دقت نظر، ذوق مهذب، عقل سلیم و همدلی با صاحب اثر قابل فهم خواهد بود و خواننده را با ذهن و زبان گوینده و نویسنده آثار آشنا خواهد کرد تا به مرور زمان، ملکه فهم و ذوق التذاذ از آن‌ها و توانایی انتقال آن به دیگران را به دست آورد؛ از این رو، هر نقد مطلوبی فرصت دیگری برای بازخوانی متن و التذاذ دوباره از آن را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. در هر حال، نقد خوب در خدمت ترویج آگاهی و دانایی و برانگیختن التذاذ هنری و ذوقی است.

همچنان که در آغاز سخن گفتم، بازنشر این نوشته‌ها برای من در عین حال که نگاهی به گذشته است، برای رها شدن از دغدغه آن نیز هست. وقتی به هر دلیلی دنبال یکی از این نوشته‌ها می‌گردی و با آن مشغول می‌شوی، فرصت اشتغال به کار تازه و فعالیتی مفید را از دست می‌دهی. بازنشر آن‌ها یک‌باره آن‌ها را از کانون توجه و درگیری ذهنی نویسنده دور می‌کند و او را به فکر برداشتن گام‌هایی تازه می‌اندازد. در روزگاری که مجلات، مخصوصاً نشریه‌های علمی و دانشگاهی، به ندرت بخت نشر کاغذی پیدا می‌کنند، فایده‌ای که از بازنشر آن‌ها برای خوانندگان متصور است، این است که از طریق کتاب، با شکل ملموس‌تری از نوشته‌ها سر و کار داشته باشند. همچنین ممکن است مطالعه آن، قرائتی متفاوت از بعضی ابیات مثنوی و غزلیات و عبارات‌های فیه‌ما فیه و مجالس و مکتوبات در اختیار دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی رشته زبان و ادبیات فارسی قرار دهد تا آنان در هنگام مطالعه متون، به کشف نکات مغفول و معانی و مفاهیم تازه در آن‌ها تشویق شوند و از متن خوانی خود بیشتر لذت ببرند.

بعد از پیشگفتار و قبل از شروع نقدها دو مطلب درباره مولانا ملاحظه می‌کنید که یکی از آنها پاسخی است به دو سؤال «چرا باید مثنوی خواند؟» و «مهم‌ترین درس‌ها و پیام‌های مثنوی را چه می‌دانید؟» که در شماره سوم مجله مولانا پژوهی «نگاه آفتاب» در همین سال جاری انتشار یافته و دیگری پاسخی است به چند سؤال «کتاب ماه ادبیات و فلسفه» درباره مولانا که در شماره ۹۵ آن مجله در شهریور ۱۳۸۴ منتشر شده است. در واقع این دو مطلب پیش‌درآمدی است بر مقالات نقد.

دور از جوانمردی است در این‌جا از دوستان و همکارانم در گروه نقد و بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی یاد نکنم که در جمع گرم و آموزنده آنان بسیار آموختم و با این که کم‌سوادترین و پیاده‌ترین عضو گروه بودم، بارها به سبب کارهای کوچکم از طرف آنان تشویق شدم و جرأت و جسارت انتشار نقدها را به دست آوردم. در این‌جا به یکایک آنان درود می‌فرستم.

همچنین یاد می‌کنم از همکارانم در دانشگاه شهید مدنی آذربایجان که اجازه دادند با تدریس دروس دلخواهم از متون ادب فارسی، فرصت بازخوانی مکرر آثار مولانا، سنایی، عطار و ناصر خسرو را به دست آورم و در آن‌ها تأمل کنم. از دانشجویان باسواد و دقیق و کنج‌کاوم تشکر می‌کنم که با طرح سؤال‌ها و ابراد اشکال‌هایشان باعث شدند که من در هر جلسه درس با دقت و توجهی روزافزون متن‌ها را تدریس کنم و نکته‌های تازه از آن‌ها دریابم.

از همسر بسیار فهیم، فداکار، خوش‌قلب و عارف‌مشریم خانم آمنه زلفی و دو دختر نازنین و فهمیده‌ام هستی و نیایش قلباً سپاس‌گزارم که مرا با کوه و کتاب و کلاس‌هایم به حال خود گذاشتند تا هر چه می‌توانم، بخوانم و بنویسم و بهانه‌ای برای تبلی‌ها و کم‌کاری‌های ذاتی‌ام نداشته باشم! از ناشر با فرهنگ و خوش‌سلیقه و آشنا به ارزش و هنر و ادب نشر، آقای اصغر عباسپور و پسر با کمالاتشان نوید عزیز که فکر جمع‌آوری و باز نشر نقدها و مقالات منتشر شده خود را به من تلقین و مرا به این کار تشویق کردند، از صمیم دل ممنونم.

نهایت سخن‌ها حمد و سپاس برای خداست

۱۷ شهریور ۱۴۰۰